

The Role of Codependency in Predicting Females' Love Styles

Samira Motieian. M.A.

Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University,
Isfahan, Iran

Maryam Ghorbani .Ph.D.

Assisstant professor, Department of Psychology, Payame Nour
University, Tehran, Iran

Mohsen Golparvar .Ph.D.

Associate Professor, Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan)
Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

نقش هم‌وابستگی در پیش‌بینی سبک‌های عشق در زنان

سمیرا مطیعیان*

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد
اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

مریم قربانی

عضو هیأت علمی، گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

محسن گل پرور

عضو هیأت علمی، گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد
اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

Abstract

This descriptive correlational research was aimed at predicting females' love styles by codependency. The sample included 450 females who were living in the city of Isfahan and were selected by available sampling method. Participants completed Codependency Assessment Questionnaire (Hughes et al, 1998) and Love Styles Scale (Hendrick & Hendrick, 1986). The data were analyzed by Pearson correlation coefficient and multiple regression analysis. The results showed that certain love styles may be predicted through the subscales of codependency. This means that except pragma and agape, the rest four love styles namely eros, ludus, storge and mania were predictable through the subscales of codependency ($P < 0.01$). According to the results, it can be said that codependency is an important variable in predicting the basic aspects of life including interpersonal relationships.

Keywords: codependency, love styles, females.

چکیده

این پژوهش با هدف پیش‌بینی سبک‌های عشق از طریق هم‌وابستگی در زنان به اجرا در آمد. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. گروه نمونه ۴۵۰ زن ساکن شهر اصفهان بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به مقیاس سنجش هم‌وابستگی (هاگر-هامر و همکاران، ۱۹۹۸) و پرسشنامه سبک‌های عشق (هندریک و هندریک، ۱۹۸۶) پاسخ دادند. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های پژوهش از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه تحلیل گردید. نتایج نشان داد که بعضی از سبک‌های عشق را می‌توان از طریق مؤلفه‌های هم‌وابستگی پیش‌بینی کرد، به این صورت که بجز سبک عشق منطقی و ایثارگرانه، چهار سبک عشق دیگر یعنی سبک عشق پرشورشهوایی، نمایشی، دوستانه و وابسته و سواسی از طریق مؤلفه‌های هم‌وابستگی قابل پیش‌بینی است ($P < 0.01$). با توجه به نتایج به دست آمده، می‌توان گفت که هم‌وابستگی متغیر مهمی در پیش‌بینی جنبه‌های اساسی زندگی از جمله روابط بین فردی به شمار می‌آید.

واژه‌های کلیدی: هم‌وابستگی، سبک‌های عشق، زنان.

مقدمه

معناداری بین نقش جنسیتی زنانه با مؤلفه‌های ایشار خود و تمرکز بر خارج در هم‌وابستگی مشخص گردید. در میان خیل قابل توجه پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده، شواهد روزافزونی نشان می‌دهد که هم‌وابستگی در زنان با متغیرهای روانی ارتباط دارد (أبراین و گابوریت^{۱۳}، ۱۹۹۲؛ کارسون و بیکر^{۱۴}، ۱۹۹۴). پژوهش‌ها نشان می‌دهد، هم‌وابستگی از طریق نظام خانواده آموخته می‌شود که وابستگی به صورت رابطه بین فردی، نداشتن استقلال فردی و تحریف واقعیت در آن خانواده جریان دارد (ویب^{۱۵}، ۲۰۰۹). در چنین شرایطی کودک با مشاهده رفتارهای ناکارآمد و تنش‌های بین والدین این الگو را می‌آموزد. این الگوها آغازی است برای یادگیری الگوی رفتار ناکارآمد در روابط عاطفی بزرگسالی که منعکس‌کننده رابطه عاطفی بین والدین بوده است (چیو و فیچام^{۱۶}، ۲۰۱۰). مطابق با یافته‌های هاگز-هامر، مارتسالف و زلر^{۱۷} (۱۹۹۸) نیز افراد هم‌وابسته در یک خانواده آشفته، خانواده‌ای با سابقه سوء مصرف مواد یا غفلت‌های هیجانی رشد یافته و تربیت شده‌اند. در نتیجه چنین تجربیات آشفته‌ای در دوران کودکی، مفهوم محوری هم‌وابستگی شامل غفلت از خود/تمرکز بر دیگران^{۱۸} شکل می‌گیرد. این افراد از خودشان غافل می‌شوند و به‌طور افراطی بر نظارت و دخالت در امور و افراد دیگر تمرکز می‌کنند. این غفلت از خود باعث ایجاد انواع نشانه‌های ثانویه شامل خود کم‌بینی^{۱۹}، پنهان کردن خود^{۲۰} و مشکلات پزشکی^{۲۱} می‌شود. همین‌طور مسائل حل نشده خانواده اولیه، در رشد نیافتن کافی و مناسب عزت‌نفس و استفاده از رفتارهای آموخته شده از قبیل انکار احساسات نقش دارد. تمرکز بر دیگران و غفلت از خود نیز در ایجاد احساس ناتوانی جسمی احتمالی و ظهور و پیشرفت انواع مشکلات پزشکی نقش دارد (مارتسالف، هاگز-هامر، استوک^{۲۲} و زلر، ۱۹۹۹). رابرت سابی^{۲۳}، براساس دیدگاه سیستمی خانواده و روان‌شناسی «خود»، هم‌وابستگی را شامل الگوی هیجانی،

عشق یک هیجان مثبت نیرومند، اساسی و بنیادی در انسان است. فهمیدن اینکه عشق چرا و چگونه اتفاق می‌افتد کار آسانی نیست و در مورد مفهوم و انواع آن اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از پژوهشگران مانند: زیگ رابین، اریک فرم، جان لی، استرنبرگ و هاتفیلد^۱ به‌طور جدی‌تر به تعریف و طبقه‌بندی عشق پرداخته‌اند. به اعتقاد لی (۱۹۷۳) شش نوع سبک عشق وجود دارد که عبارت‌اند از: عشق پرشور شهوانی (اروس)^۲ که شامل جذابیت بدنی و عاطفی شدید است. عشق نمایشی (لودوس)^۳، نمایش عشق را بازی کردن است. عشق دوستانه (استورگ)^۴ که با مهربانی، صمیمیت و تعهد مشخص می‌شود. عشق منطقی (واقع‌گرایانه، پراگما)^۵ که در آن، افراد ارزیابی معقولی برای انتخاب انجام می‌دهند. عشق وابسته و وسواسی (مانیا)^۶، ترکیبی از عشق پرشور و نمایشی است و مستلزم انحصار و وسواس، اضطراب و رفتارهای پرشور است و عشق ایشارگرانه (آگاپه)^۷ که عشق بشردوستانه، رفاقتی و البته شدید و در حد قربانی کردن تمام‌عیار خود است. از طرفی برآورد شده است که چهل میلیون آمریکایی که بیشتر آنها زنان هستند، به مشکل هم‌وابستگی^۸ گرفتارند.

هم‌وابستگی نوعی الگوی ناسالم در برقراری ارتباط متقابل با دیگران و نوعی مشکل هیجانی است که طی آن فرد خود را در رفتارهای اجباری (شخصی و حرفه‌ای) گرفتار می‌سازد. از لحاظ تاریخی و مفهومی، هم‌وابستگی تاکنون به‌عنوان اعتیاد، بیماری، رفتار آموخته شده، وضعیت اجتماعی-روانی و یک نوع اختلال شخصیت مطرح شده است. هاکن^۹ معتقد است که این مفهوم در سال ۱۹۷۵، در نتیجه جنبش درمان اعضای خانواده بیماران الکلی آغاز شد و سپس به حیطه سلامت روان انتقال یافت (لویت، ۱۹۹۷). همچنین زنان را همواره بیش از مردان مستعد ابتلای به هم‌وابستگی دانسته‌اند (آشر^{۱۰}، ۱۹۹۸؛ چیا^{۱۱}، ۱۹۹۳). در پژوهش گریگ و دیر^{۱۲} (۲۰۰۲) ارتباط

1. Rabin, Erich Fromm, Lee, Sternborg & Hatfield
3. ludus
5. pragma
7. agape
9. Hakan
11. Chiaz
13. O,Brien & Gaborit
15. Webb
17. Hughes-Hummer, Martsolf & Zeller
19. low self worth
21. medical problems
23. Robert Subby

2. eros
4. storge
6. mania
8. codependency
10. Asher
12. Gereg & Dear
14. Carson & Baker
16. Cui & Fincham
18. other focus / self neglec
20. hiding self
22. Estok

سبک‌های عشق نمایشی، شهوانی و فداکارانه با رضایت زناشویی، انسجام زناشویی و توافق زناشویی رابطه منفی دارد. احمدی، داودی، غذایی، مردانی و صیفی (۲۰۱۳) و هنری و صارمی (۲۰۱۵) نشان دادند که سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرایانه در ایجاد سبک عشق و سواسی نقش دارد. مالانداین و دایوز^۵ (۱۹۹۴) در پژوهشی نشان دادند که عزت‌نفس با سبک عشق پرشور شهوانی رابطه مثبت و با سبک و سواسی، دوستانه و ایثارگرانه رابطه منفی دارد. دایوز (۱۹۹۶)، در پژوهشی به منظور بررسی رابطه بین ابعاد پرسشنامه شخصیت آیزنک و سبک‌های عشق جان لی، نشان داد که روان‌رنجور خوبی رابطه مثبت با سبک عشق و سواسی و رابطه منفی با سبک منطقی دارد. کنماسا، تانیکوچی، دایسو و ایشی‌موری^۶ (۲۰۰۴)، به بررسی رابطه بین ۶ سبک عشق و تجارب هیجانی چندگانه پرداختند و مشخص شد که عشق پرشور شهوانی با احساسات مثبت و ادراک مثبت از خویشتن رابطه مثبت دارد. در پژوهش ریوم، کارن، وارد و ویتکتز^۷ (۲۰۱۰) نیز ارتباط معنادار بین هم‌وابستگی و تمایز یافتگی مشخص شد. در پژوهش چانگ (۲۰۱۰) مشخص گردید که هم‌وابستگی به سطوح پایین تمایز یافتگی و سطوح بالایی از سبک‌های وابستگی برای مقابله با اضطراب ناشی از محیط خانواده منجر می‌شود و باعث اضطراب، افسردگی، اختلال در عملکرد اجتماعی و جسمی می‌گردد. همچنین در پژوهش تاور، ورماس، سینگها و شارما^۸ (۲۰۱۱) رابطه معنادار بین افسردگی و هم‌وابستگی تأیید شد. پژوهش کندسون و ترل^۹ (۲۰۱۲) نشان داد هم‌وابستگی در بزرگسالی با تعارض در خانواده اولیه ارتباط معناداری دارد. در پژوهش مارکز، بلار، هاین و دیر^{۱۰} (۲۰۱۲) مشخص شد که نمرات بالاتر هم‌وابستگی با سطح بالاتری از افسردگی، اضطراب و استرس همراه است. بنابراین با توجه به ویژگی‌های سبک‌های عشق در دیدگاه لی (۱۹۷۳) و با توجه به اینکه هم‌وابستگی نوعی الگوی ناسالم ارتباط با خود و دیگران است و طبق پژوهش‌ها نیز، ارتباط معنادار بین هم‌وابستگی، صمیمیت نداشتن در روابط عاطفی، افزایش تنش و مشکل در روابط، دوسوگرایی و نایمنی در روابط، رفتارهای فدایی کردن و ایثار خود، عزت‌نفس پایین، احساس گناه، ناسازگاری روان‌شناختی تأیید

روان‌شناختی و رفتاری مقابله‌ای می‌داند که نتیجه تماس طولانی مدت با مجموعه‌ای از قوانین و مقررات طاقت‌فرساست و از به کار بردن آنها ناشی می‌شود. زمانی که چنین شود، الگوهای هم‌وابستگی شکل گرفته و نه تنها در خانواده، بلکه به ارتباطات خارج از خانواده نیز گسترش می‌یابد (داگلاس^۱، ۲۰۰۹). بدون درمان، هم‌وابستگی به روابط غیرمعمول و بدکارکرد منجر خواهد شد (لاکس^۲، ۲۰۰۵). در پژوهش چانگ^۳ (۲۰۱۰) علت پیدایش هم‌وابستگی ناشی از محیط خانوادگی تنش‌زا و نا کارآمد توصیف شد که به ایجاد سطوح پایین تمایز یافتگی و سطوح بالایی از سبک‌های وابستگی، برای مقابله با اضطراب ناشی از محیط خانواده منجر می‌شود که به سهم خود بر روی هویت‌یابی و ایجاد روابط صمیمی و عاطفی تأثیر منفی خواهد داشت. فیشر^۴ آن را الگوی مخرب ارتباط با دیگران می‌داند که با تمرکز بیش از حد بر خارج از خود، بیان نکردن احساسات و گرفتن معنای شخصی از ارتباط با دیگران تعریف می‌شود (شریفی، ۱۳۸۴).

در پژوهش جلالی تبار (۱۳۸۵)، مشخص گردید که سبک‌های عشق بر اساس سبک‌های دلبستگی قابل پیش‌بینی است. پژوهش رفیعی‌نیا و اصغری (۱۳۸۶)، نشان داد که عشق رفاقتی با رضایت از زندگی رابطه مستقیم و با عاطفه منفی، رابطه معکوس معنادار دارد. عشق پرشور با هیچ کدام از متغیرهای بهزیستی ذهنی ارتباط معنادار نداشت. نتایج پژوهش اسکیان، عابدیان و چنگیزی (۱۳۸۷) نشان داد بین هم‌وابستگی و تمایز یافتگی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. احمدی (۱۳۸۸) در پژوهشی نشان داد که خودتمایزسازی با سبک‌های عشق پرشور شهوانی، نمایشی، دوستانه، وابسته و سواسی و منطقی رابطه معناداری دارد، اما با سبک عشق ایثارگرانه رابطه معنادار ندارد و عبدی و گلزاری (۱۳۸۹)، در پژوهشی نشان دادند که بین سبک عشق دوستانه و روان‌رنجوری رابطه منفی معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش نوری و جان‌بزرگی (۱۳۹۰)، نشان داد که توان پیش‌بینی ارزش‌های ازدواج از طریق انواع عشق و سبک‌های دلبستگی وجود دارد. نتایج پژوهش یوسفی، بشلیده، عیسی‌نژاد، اعتمادی و شیربیگی (۱۳۹۰)، نشان داد که سبک‌های عشق دوستانه، رمانتیک و واقع‌گرایانه با رضایت زناشویی، انسجام زناشویی و توافق زناشویی رابطه مثبت و

1. Douglass

3. Chang

5. Mallandain & Davies

7. Reyomea, Karen, Ward & Witkiewitz

9. Knudson & Terrell

2. Loucks

4. Fisher

6. Kanemasa, Taniguchi, Daibo & Ishimori

8. Talwar, Verma, Singh & Sharma

10. Marks, Blore, Hine & Dear

و رضایت آگاهانه برای مشارکت در پژوهش و ملاک خروج نیز پاسخ دقیق ندادن به پرسش‌ها بود. اجرای پرسشنامه‌های این پژوهش به صورت خود گزارش‌دهی بوده است که مادران دانش‌آموزان آنها را تکمیل کردند.

ابزار سنجش

مقیاس سنجش هم‌وابستگی (CODAT): این پرسشنامه را هاگز-هامر، مارتسالف و زلر (۱۹۹۸b)، به منظور اندازه‌گیری ویژگی‌های هم‌وابستگی افراد با ۲۵ سؤال و ۵ خرده‌مقیاس به نام‌های تمرکز بر دیگران/ غفلت از خود، مسائل خانواده اولیه، خودکم‌بینی، پنهان کردن خود و مشکلات پزشکی، ساختند و ارائه دادند. مقیاس پاسخگویی این پرسشنامه، لیکرت پنج درجه‌ای است (از به ندرت یا هرگز ۱ تا بیشتر اوقات ۵). دامنه نمرات بین ۲۵ تا ۱۲۵ است. نمره بین ۲۵ تا ۵۰ نشانه هم‌وابستگی کم، ۵۱ تا ۷۵ هم‌وابستگی ملایم، ۷۶ تا ۱۰۰ هم‌وابستگی متوسط و ۱۰۱ تا ۱۲۵ هم‌وابستگی شدید است. این مقیاس روایی و پایایی خوبی دارد. آلفای کرونباخ برای کل مقیاس برابر با ۰/۹۱ و برای خرده‌مقیاس‌ها شامل تمرکز بر دیگران/ غفلت از خود برابر با ۰/۸۵، خودکم‌بینی برابر با ۰/۸۴، مسائل خانواده اولیه برابر با ۰/۸۱، پنهان کردن خود برابر با ۰/۸۰ و مشکلات پزشکی برابر با ۰/۷۸ گزارش شده است. روایی سازه آن با بررسی رابطه ابعاد هم‌وابستگی با افسردگی نیز تأیید شده و روایی ملاکی آن نیز با اجرای مقیاس بر روی ۳۸ زن شاغل (به عنوان گروه نمونه) و ۲۱ زن تحت درمان هم‌وابستگی مستند گشته است. نتایج نشان داد که زنان هم‌وابسته به طور معناداری در همه خرده‌مقیاس‌ها نمره بالاتری در مقایسه با گروه گواه کسب کردند (هاگز-هامر و همکاران، ۱۹۹۸a؛ لاکس، ۲۰۰۵). این پرسشنامه برای استفاده در این پژوهش برای اولین بار در ایران ترجمه و آماده اجرا شد. آلفای کرونباخ پنج مؤلفه این پرسشنامه در این پژوهش به ترتیب برای تمرکز بر دیگران/ غفلت از خود، مسائل خانواده اولیه، خودکم‌بینی، پنهان کردن خود و مشکلات پزشکی برابر با ۰/۷۹، ۰/۷۶، ۰/۸۲، ۰/۷ و ۰/۷۴ به دست آمد. دو نمونه از گویه‌های این پرسشنامه شامل: «احساساتم را در خودم نگه می‌دارم و ظاهرسازی می‌کنم» و «در خانواده‌ای بزرگ شده‌ام که در مورد مسائل و مشکلات باز و آزادانه صحبت نمی‌شد»؛ است.

پرسشنامه سبک‌های عشق (LAS): برای سنجش سبک‌های عشق از پرسشنامه‌ای که هندریک و هندریک^۴ (۱۹۸۶) معرفی

شده است (چن و ویو، ۲۰۰۸) و همچنین با توجه به نقش مهم و زیربنایی هم‌وابستگی در بروز انواع اختلالات روان‌شناختی و شکل‌گیری روابط بین فردی ناسالم و کمبود پژوهش‌های انجام شده در این خصوص، این پژوهش با هدف بررسی رابطه هم‌وابستگی با سبک‌های عشق و پیش‌بینی سبک‌های عشق از طریق هم‌وابستگی در زنان به اجرا در آمد. به همین منظور ۶ فرضیه در این پژوهش تدوین گردید.

فرضیه ۱: عشق پرشور شهوانی از طریق هم‌وابستگی (تمرکز بر خارج/ غفلت از خود، مسائل خانواده اولیه، خودکم‌بینی، پنهان کردن خود و مشکلات پزشکی) قابل پیش‌بینی است.

فرضیه ۲: عشق نمایشی از طریق هم‌وابستگی (تمرکز بر خارج/ غفلت از خود، مسائل خانواده اولیه، خودکم‌بینی، پنهان کردن خود و مشکلات پزشکی) قابل پیش‌بینی است.

فرضیه ۳: عشق دوستانه از طریق هم‌وابستگی (تمرکز بر خارج/ غفلت از خود، مسائل خانواده اولیه، خودکم‌بینی، پنهان کردن خود و مشکلات پزشکی) قابل پیش‌بینی است.

فرضیه ۴: عشق منطقی از طریق هم‌وابستگی (تمرکز بر خارج/ غفلت از خود، مسائل خانواده اولیه، خودکم‌بینی، پنهان کردن خود و مشکلات پزشکی) قابل پیش‌بینی است.

فرضیه ۵: عشق وابسته و سواسی از طریق هم‌وابستگی (تمرکز بر خارج/ غفلت از خود، مسائل خانواده اولیه، خودکم‌بینی، پنهان کردن خود و مشکلات پزشکی) قابل پیش‌بینی است.

فرضیه ۶: عشق ایثارگرانه از طریق هم‌وابستگی (تمرکز بر خارج/ غفلت از خود، مسائل خانواده اولیه، خودکم‌بینی، پنهان کردن خود و مشکلات پزشکی) قابل پیش‌بینی است.

روش پژوهش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: این پژوهش از نوع توصیفی و به روش پژوهش همبستگی بود. جامعه آماری شامل زنان شهر اصفهان در زمستان سال ۱۳۹۱ و بهار سال ۱۳۹۲ بودند. بر اساس اطلاعات در دسترس، طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۰ تعداد کل زنان شهر اصفهان، ۵۰۵۹۰۹ نفر بودند. از جامعه آماری مورد اشاره، براساس جدول تناسب حجم نمونه با حجم جامعه آماری، ۴۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس از فرهنگسراها، سالن‌های ورزشی بانوان و مادران دانش‌آموزان مدارس در نواحی مختلف شهر اصفهان انتخاب شدند (حسن‌زاده، ۱۳۸۱). ملاک‌های ورود شامل جنسیت، داشتن حداقل سواد سوم راهنمایی و نیز تمایل

1. Chen & Wu
3. Love Styles Scale

2. Codependency Assessment Tool
4. Hendrick & Hendrick

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

اجرای پرسشنامه‌های این پژوهش به صورت خود گزارش‌دهی بوده است. به این ترتیب که در آغاز توصیفی خلاصه در اختیار افراد قرار گرفت تا مطالعه کنند و سپس اقدام به پاسخگویی به پرسشنامه‌ها نمایند. تک‌تک پرسشنامه‌ها از نظر صحت پاسخگویی بررسی شد تا پرسشنامه‌های ناقص جدا شوند. ملاک‌های ورود شامل جنسیت، داشتن حداقل سواد سوم راهنمایی و نیز تمایل و رضایت آگاهانه برای مشارکت در پژوهش و ملاک خروج نیز پاسخگویی غیردقیق به پرسش‌ها بود. ۲۷ پرسشنامه (معادل ۶ درصد) به دلیل نقص در پاسخگویی از پژوهش کنار گذاشته شدند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان در پژوهش ۳۴/۲۹ سال بود. سپس داده‌های مورد نیاز برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از پرسشنامه‌ها استخراج شد و مورد تحلیل آماری قرار گرفت. تحلیل یافته‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS¹⁸ انجام شد.

یافته‌ها

در ابتدا ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی و سبک‌های عشق محاسبه گردید که ماتریس این همبستگی در جدول ۱ ارائه شده است. جدول ۱ نشان می‌دهد که همبستگی متغیرهای جمعیت‌شناختی با مؤلفه‌های سبک عشق معنادار نیست. بنابراین وارد معادله رگرسیون نشده‌اند. در جدول ۲ نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی شش سبک عشق شهوانی، نمایشی، دوستانه، منطقی، وابسته و سواسی و ایثارگرانه از طریق مؤلفه‌های هم‌وابستگی گزارش شده است.

کردند، استفاده شد. این پرسشنامه ۴۳ سؤال و ۶ سبک عشق به نام‌های پرشور شهوانی (اروس)، نمایشی (لودوس)، دوستانه (استورگ)، منطقی (واقع‌گرایانه یا پراگما)، وابسته و سواسی (مانیا) و ایثارگرانه (آگاپه) و مقیاس پاسخگویی لیکرت پنج درجه‌ای (از کاملاً مخالفم ۱ تا کاملاً موافقم ۵) دارد. هندریک و هندریک (۱۹۸۶ و ۱۹۹۲) با ساختن مقیاس نگرش سنج عشق، کوشیدند مفاهیمی را که جان لی درباره عشق بیان کرده بود عملیاتی کنند. از ویژگی‌های برتر پرسشنامه این است که نگرش سنج است و حتی در مورد کسانی هم که هرگز رابطه عاشقانه نداشته‌اند قابل اجرا است. پژوهش‌های زیادی درباره پایایی و روایی این پرسشنامه صورت گرفته است. هندریک و هندریک (۲۰۰۲) در پژوهشی ارتباط بین این مقیاس با سایر مقیاس‌های عشق را مورد سنجش قرار دادند و روایی همگرای این پرسشنامه را تأیید کردند (عبدی و گلزاری، ۱۳۸۹). بیات (۱۳۸۷) ساختار عاملی این پرسشنامه را در جمعیت ایرانی بررسی و ساختار شش عاملی آن را تأیید کرده است. همچنین نتوان (۲۰۰۰) از این آزمون در یک پژوهش بین فرهنگی استفاده کرد. اعتبار این آزمون ۰/۸۶ است که تأییدکننده اعتبار مطلوب است. در این پژوهش آلفای کرونباخ برای شش سبک عشق پرشور شهوانی، نمایشی، دوستانه، منطقی، وابسته و سواسی و ایثارگرانه برابر با ۰/۷۹، ۰/۶۲، ۰/۶۴، ۰/۷۴، ۰/۷۲ و ۰/۸۶ به دست آمد. «من و همسر (یا فرد مورد علاقه‌ام) به سرعت رابطه هیجانی برقرار کردیم» و «اگر رابطه من و همسر (یا فرد مورد علاقه‌ام) به هم بخورد، به شدت ناراحت می‌شوم، به طوری که فکر خودکشی به سرم می‌زند» دو نمونه از گویه‌های این پرسشنامه محسوب می‌شود.

جدول ۱- ماتریس همبستگی مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی و سبک‌های عشق

متغیر	عشق پرشور شهوانی	عشق نمایشی	عشق دوستانه	عشق منطقی	عشق وابسته و سواسی	عشق ایثارگرانه
سن	۰/۰۲۲	۰/۱۶	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۰۵	۰/۱
وضعیت تأهل	۰/۰۲۷	۰/۰۰۱	۰/۰۲۵	۰/۲۳	۰/۰۱	۰/۰۳
تحصیلات	۰/۱	۰/۱۵	۰/۰۴۵	۰/۰۳۹	۰/۱۱	۰/۱۰

* $P < 0.05$

** $P < 0.01$

جدول ۲- نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی شش سبک عشق از طریق مؤلفه‌های هم‌وابستگی

متغیر ملاک	پیش بین	B	β	P	R	R2	F
عشق پرشور شهروانی	مقدار ثابت				۰/۲	۰/۰۴	**۴/۴۶
	تمرکز بر دیگران / غفلت از خود	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۲۶			
	مسائل خانواده اولیه	-۰/۰۷	-۰/۰۷	۰/۱۹			
	خود کم‌بینی	۰/۱۷	-۰/۱۵	۰/۰۲			
	پنهان کردن خود	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۸۸			
مشکلات پزشکی	-۰/۰۴	-۰/۰۳	۰/۶۱				
عشق نمایشی	تمرکز بر دیگران / غفلت از خود	۰/۱۵	۰/۱۷	۰/۰۰۱	۰/۳۴۱	۰/۱۱۶	**۱۰/۹۷
	مسائل خانواده اولیه	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۲۹			
	خود کم‌بینی	۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۰۴			
	پنهان کردن خود	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۰۰۰			
	مشکلات پزشکی	-۰/۱	-۰/۱	۰/۱۳			
عشق دوستانه	تمرکز بر دیگران / غفلت از خود	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۱۴	۰/۱۹۷	۰/۰۳۹	** ۳/۳۸
	مسائل خانواده اولیه	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۸			
	خود کم‌بینی	-۰/۰۸	-۰/۰۹	۰/۱۶			
	پنهان کردن خود	۰/۱۳	۰/۱۶	۰/۰۰۴			
	مشکلات پزشکی	-۰/۱۳	-۰/۱۴	۰/۰۳			
عشق منطقی	تمرکز بر دیگران / غفلت از خود	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۸۲	۰/۱۱۸	۰/۰۱۴	۱/۱۸
	مسائل خانواده اولیه	-۰/۰۱	-۰/۰۲	۰/۷۳			
	خود کم‌بینی	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۷۶			
	پنهان کردن خود	۰/۰۹	۰/۱۱	۰/۰۶			
	مشکلات پزشکی	-۰/۱۳	-۰/۱۲	۰/۰۷			
عشق وابسته و سواسی	تمرکز بر دیگران / غفلت از خود	۰/۱	۰/۱۲	۰/۰۲	۰/۲۹۲	۰/۰۸۵	**۷/۷۵
	مسائل خانواده اولیه	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۱۱			
	خود کم‌بینی	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۰۲			
	پنهان کردن خود	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۲۸			
	مشکلات پزشکی	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۰/۹۲			
عشق ایثار گرانه	تمرکز بر دیگران / غفلت از خود	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۲۸	۰/۱۳۹	۰/۰۱۹	۱/۶۵
	مسائل خانواده اولیه	-۰/۱۵	-۰/۱۵	۰/۰۰۸			
	خود کم‌بینی	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۶۶			
	پنهان کردن خود	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۸۲			
	مشکلات پزشکی	۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۴			

هم‌وابستگی نوعی الگوی ناسالم ارتباطی است، یافته‌های این جدول قابل تبیین است. به‌علاوه برای هم‌وابستگی حیطه‌های مختلفی وجود دارد که یکی از این حیطه‌ها هم‌وابستگی را به‌عنوان یک اختلال شخصیت در نظر می‌گیرد. چنانکه هانیگمن و وایتهد^۱ (۲۰۰۸) نشان دادند بین هم‌وابستگی و ویژگی‌های اختلال شخصیت مرزی و وابسته رابطه مثبت معنادار وجود دارد. شخصیت مرزی پر از بی‌ثباتی هیجانی و بی‌تعهدی در عشق است؛ شخصیت‌هایی که در روابط صمیمانه مرز عشق و تنفر را به سرعت طی می‌کنند. بنابراین با توجه به ارتباط شخصیت مرزی و هم‌وابسته، این ویژگی‌های شخصیتی ممکن است در برخی افراد به بروز روابط عاشقانه‌نمایشی منجر شود. همچنین با در نظر گرفتن متون هم‌وابستگی می‌توان بیان کرد که مؤلفه خودکم‌بینی که در آن، فرد دچار افکار خودانتقادی، خودبیزاری، خودسرزنشگری و احساس شرم و حقارت است و همچنین مؤلفه پنهان کردن خود که در آن، فرد دچار سرکوبی احساسات و استفاده از چهره مثبت برای پوشاندن خود و همچنین پوشاندن و کنترل هیجانات و احساسات منفی در خود است تا جایی که یک «خود کاذب» (شخصیت کاذب) در فرد پدیدار می‌شود، پیش‌بینی‌کننده سبک عشق‌نمایشی است، که در واقع نمایش عشق را بازی کردن است. همچنین با توجه به جدول ۳ پنهان کردن خود و مشکلات پزشکی پیش‌بینی‌کننده سبک عشق دوستانه هستند. به این معنا که سبک عشق دوستانه به کاهش مسائل و مشکلات پزشکی اعم از مشکلات واقعی و خیالی منجر می‌شود. سبک عشق دوستانه با مهربانی، صمیمیت و تعهد مشخص می‌گردد. این سبک، عشق‌پایداری است که با دوستی آغاز می‌شود و به مرور گسترش می‌یابد. از آنجایی که عشق یک هیجان مثبت، نیرومند، اساسی و بنیادی در انسان است، این یافته با پژوهش‌هایی همسو است که مشخص می‌کنند عشق یک پدیده عصب‌شناختی است و پیامدهایی برای سلامت و بهزستی دارد و ممکن است مناطق مغزی و دستگاه‌های عصبی خودمختار را کنترل کند، یعنی تنیدگی را کاهش دهد (ایش و استفانو، ۲۰۰۵)؛ همچنین با یافته‌های عبدی و گلزاری (۱۳۸۹) نیز همسو می‌باشد، اما از طرفی به نظر می‌رسد که این یافته با توجه به ویژگی‌های دو سبک عشق‌نمایشی و دوستانه با یافته‌های جدول ۱ تناقض داشته باشد. زیرا پنهان کردن خود پیش‌بینی‌کننده دو سبک عشق‌نمایشی و عشق دوستانه است! اما در تبیین این موضوع شاید بتوان به دو نکته اشاره کرد:

با توجه به جدول ۲، از پنج مؤلفه هم‌وابستگی، خود کم‌بینی پیش‌بینی‌کننده عشق پرشور شهوانی بوده و ۴ درصد از واریانس این سبک عشق را تبیین می‌کند ($\beta = -0.15, P < 0.01$). تمرکز بر دیگران / غفلت از خود ($\beta = 0.17, P < 0.01$) و پنهان کردن خود ($\beta = 0.12, P < 0.01$) پیش‌بینی‌کننده‌های عشق نمایشی بوده و ۱۱/۶ درصد از واریانس این سبک عشق را تبیین می‌کند و بالاخره از پنج مؤلفه هم‌وابستگی، پنهان کردن خود ($\beta = 0.16, P < 0.01$) و مشکلات پزشکی ($\beta = -0.14, P < 0.01$) پیش‌بینی‌کننده‌های سبک عشق دوستانه بوده و ۳/۹ درصد از واریانس این سبک عشق را تبیین می‌کند. بنابراین فرضیه ۱، ۲ و ۳ مبنی بر پیش‌بینی سه سبک عشق پرشور شهوانی، نمایشی و دوستانه از طریق مؤلفه‌های هم‌وابستگی مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین همان‌طور که مشاهده می‌شود از پنج مؤلفه هم‌وابستگی هیچ یک پیش‌بینی‌کننده عشق منطقی نبوده‌اند. اما خود کم‌بینی ($\beta = 0.15, P < 0.01$) پیش‌بینی‌کننده عشق وابسته و سواسی بوده و ۸/۵ درصد از واریانس این سبک عشق را تبیین می‌کند. همچنین از پنج مؤلفه هم‌وابستگی، معنادار است، اما ضریب پیش‌بینی مسائل خانواده اولیه ($\beta = -0.15, P < 0.01$) معنادار است، اما، به دلیل غیرمعنادار بودن ضریب F ، می‌توان گفت که معادله پیش‌بینی سبک عشق ایثارگرانه اعتبار لازم را نداشته است. بنابراین فرضیه ۵ مبنی بر پیش‌بینی عشق وابسته و سواسی از طریق مؤلفه‌های هم‌وابستگی مورد تأیید قرار می‌گیرد، اما فرضیه‌های ۴ و ۶ مبنی بر پیش‌بینی عشق منطقی و عشق ایثارگرانه از طریق مؤلفه‌های هم‌وابستگی تأیید نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نظریات و پژوهش‌هایی که در مقدمه این پژوهش مرور گردید، مؤلفه‌های هم‌وابستگی در ارتباط با سبک‌های عشق مطرح شد. نتایج به‌دست آمده از ارتباط میان هم‌وابستگی با سبک‌های عشق و ارتباط ترکیبی میان مؤلفه‌های این دو متغیر حمایت می‌کند.

یافته‌های جدول ۲ نشان داد که خود کم‌بینی پیش‌بینی‌کننده سبک عشق پرشور شهوانی است. یافته‌های این فرضیه با یافته کنماسا و همکاران (۲۰۰۴) و مالانداین و دایوز (۱۹۹۴) همخوان است. همچنین براساس این جدول مشخص گردید که تمرکز بر خارج / غفلت از خود، خود کم‌بینی و پنهان کردن خود، پیش‌بینی‌کننده‌های سبک عشق نمایشی هستند. عشق‌نمایشی، نمایش عشق را بازی کردن است و از آنجایی که

اشاره کرد. از آنجایی که ابزار استفاده شده جهت ارزیابی ویژگی‌های هم‌وابستگی در این پژوهش، مؤلفه‌ای ایشارگری را ندارد، شاید بتوان این تناقض را توجیح کرد. به نظر می‌رسد اگر از پرسشنامه‌ای جهت ارزیابی هم‌وابستگی استفاده شود که مؤلفه‌ای ایشارگری را در خود داشته باشد، نظیر پرسشنامه «هالیوک»^۲، امکان برطرف شدن این تناقض هست. همچنین می‌توان گفت که افراد هم‌وابسته، افرادی دارای سبک دوسوگرایانه هستند. آنها از دریافت نکردن تأیید دیگران رنج می‌برند، اما از دیگر سو همواره ناراضی از دیگران هستند و شکایت دارند. چنین سبک دوسوگرایانه‌ای ممکن است مانع از ایشارگری در روابط نزدیک به خصوص عشق شود. همچنین براساس این جدول پیش‌بینی سبک عشق منطقی از طریق هم‌وابستگی مورد تأیید قرار نگرفت. با توجه به ویژگی‌های برجسته افراد هم‌وابسته و ویژگی‌های سبک عشق منطقی و نبودن ارتباط منطقی میان این دو، غیر قابل پیش‌بینی بودن عشق منطقی از طریق هم‌وابستگی کاملاً منطقی و مورد تأیید است. در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که هم‌وابستگی یکی از عوامل دخیل و پیش‌بینی کننده سبک‌های عشق و روابط بین فردی به شمار می‌آید. در واقع هم‌وابستگی به عنوان یک ویژگی فردی ممکن است راه‌انداز یا تشدیدکننده سبک‌های عشق ناکارآمد باشد. بنابراین توجه به این عامل، پیشگیری از بروز آن با استفاده از روش‌های تربیتی مناسب در دوران کودکی و یا درمان به موقع آن در بزرگسالی، نقش بسزایی در شکل‌گیری روابط بین فردی سالم و مناسب دارد. بنابراین استفاده از نتایج این پژوهش در حوزه‌های بالینی و مشاوره نیز کاربردی است. در پایان پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی متغیر هم‌وابستگی در کنار سایر اختلالات روان‌شناختی مانند وسواس، اختلالات شخصیت، اضطراب و غیره بررسی گردد. از طرفی همان‌طور که قبلاً بیان شد هم‌وابستگی، بیماری گم‌گشتگی خود است. در نتیجه بررسی این متغیر در کنار متغیرهایی مانند فردیت‌یافتگی، با اهمیت است. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از سایر پرسشنامه‌های هم‌وابستگی مانند پرسشنامه هم‌وابستگی هالیوک، مقیاس هم‌وابستگی اسپن - فیشر^۳ و مقیاس سنجش هم‌وابستگی پاتر - فرون^۴ نیز استفاده شود و نیز پیشنهاد می‌شود از شکل کوتاه شده پرسشنامه سبک‌های عشق استفاده گردد و پژوهش در جامعه مردان نیز انجام گیرد و یافته‌های آن با یافته‌های جمعیت

اول اینکه هر فرد می‌تواند بیش از یک سبک عشق را داشته باشد (لی، ۱۹۷۳) و نکته دوم اینکه اگرچه پنهان کردن خود، برای خود فرد نوعی الگوی ناسالم به شمار می‌آید و به شکل‌گیری یک شخصیت دروغین منجر می‌شود که به تدریج باعث فرورفتن و عادت کردن فرد به این شخصیت دروغین می‌گردد و این موضوع نیز به دورماندن فرد از خود واقعی و تأخیر در به کمال رسیدن او منجر خواهد شد و البته نوعی الگوی ناسالم ارتباط با دیگران نیز هست، اما شاید در برخی موارد این پنهان کردن خود در ایجاد یک رابطه دوستانه و صمیمی کمک‌کننده باشد. زیرا در این حالت فرد از چهره‌ای مثبت برای پوشاندن خود و کنترل هیجانات و احساسات منفی در خود استفاده می‌کند و در نتیجه فرد گاهی به صورت دوستانه و گاهی به صورت نمایشی خود را نشان می‌دهد. با توجه به جدول ۳ تمرکز بر خارج/ غفلت از خود و خودکم‌بینی پیش‌بینی کننده سبک عشق وابسته و سواسی هستند. ویژگی‌های خودکم‌بینی و همچنین ویژگی‌های مؤلفه تمرکز بر خارج/ غفلت از خود، تبیین‌کننده یافته‌های این جدول هستند. زیرا ویژگی‌های برجسته افراد هم‌وابسته شامل: مراقبت‌های افراطی، عادت‌های وسواس‌گونه، غفلت از خود، افراط در کنترل و دخالت و تمرکز در امور و افراد دیگر، کمبود عزت‌نفس با ویژگی‌های افراد دارای سبک عشق وسواسی همخوان است. این یافته‌ها با تعاریف مطرح شده در متون هم‌وابستگی نظیر تعریف گورمن و دیاز^۱ که هم‌وابستگی را یک اختلال ارتباطی عنوان کردند، تعریف فیشر و کرافورد که هم‌وابستگی را یک الگوی معیوب ارتباط با دیگران می‌دانند که همراه با بیان نکردن احساسات و گرفتن معنای شخصی از رابطه با دیگران است (فولر و وارنر، ۲۰۰۰) همخوانی دارد. همچنین با تعریف هندریکس نیز همخوان است که می‌گوید: هم‌وابستگی شکل خاصی از عشق و دوستی ناهشیارانه است، توافقی که بین افراد برای حفظ رابطه‌ای ناگسستنی به شکل‌های ناهشیارانه به عمل می‌آید (وایتفیلد، ۱۳۸۲). همچنین یافته‌های این جدول با یافته‌های مالانداین و دایوز (۱۹۹۴) نیز همسو است. زیرا در حالت هم‌وابستگی فرد دارای خودکم‌بینی است. این یافته با یافته‌های عبدی و گلزاری (۱۳۸۹) و دایوز (۱۹۹۶) نیز همسو است. بر خلاف تصور، یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که هیچ یک از مؤلفه‌های هم‌وابستگی پیش‌بینی کننده سبک عشق ایشارگرانه نیست، اما در تبیین این موضوع می‌توان به نکاتی

1. Gorman & Diaz

3. Spann-Fisher Codependency Scale

2. Holyook Codependency Index (HCI)

4. Potter-Efron Codependency Assessment

- Asher, R. (1998). Codependency :A view from women married to alcoholics. *International Journal of Addictions*, 23: 331-350.
- Carson, A.T., & Baker, R.C. (1994). Psychological correlates of codependency in women. *The International Journal of Addictions*, 29(3): 395-407.
- Chang, S.H. (2010). Codependency among college students in the united states and taiwan: A cross-cultural study (PHD dissertation).
- Chen, S.C., & Wu, L. (2008). Study on relationships among codependency, selfemotions and love relationship quality. *Bulletin of Educational Psychology*, 40: 153-178.
- Chiazzi, E.J. (1993). Taboo topics in addiction treatment: An empirical review of clinical folklore. *Journal of substance abuse Treatment*, 10:303-316.
- Cui, M., & Fincham, F.D. (2010). The differential effects of parental divorce and marital conflict on young adult romantic relationships. *Personal Relationships*, 3: 331-343.
- Davies, M.F. (1996). EPQ correlates of love styles. *Personality and Individual Differences*, 20(2): 257-259.
- Douglass, M.D. (2009). Codependency: relationship to self and other. [PhD. Dissertation]. USA. California Institute of Integral Studies in Partial Fulfillment of the Requirements; San Francisco, CA.
- Esch, T., & Stefano, G.B. (2005). The neurobiology of love. *Neuroendocrinology letters*, 26(3): 175-192.
- Fuller, J.A., & Warner, R.M. (2000). Family stressors as predictors of codependency. *Genetic, Sosial and General Psychology Monographs*. 1: 5-22.
- Gereg, E., & Dear, G. (2002). The relationship between codependency and femininity and masculinity. *Sex Roles*, 5: 159-165.
- Hendrick, S., & Hendrick, C. (1986). A theory and method of love. *Journal of Personality and Social Psychology*, 30: 392- 40.
- Hendrick, S., & Hendrick, C. (1992). *Romantic love*. Thousand Oaks, CA: Saga.
- Hendrick, S., & Hendrick, C. (2002). *Love, Handbook of Positive Psychology*: Oxford.
- Hoeningmann, N.M., & Whitehead, G.I. (2008). The relationship between codependency and borderline and dependent personality Traits. *Alcoholism Treatment Quarterly*, 4: 55- 77.
- Honari, B., & Saremi, A.A. (2015). The study of relationship between attachment styles and obsessive love style. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 165:152-159.
- Hughes-Hummer, C., Martsof, D.S., & Zeller, R.A. (1998a). Depression and codependency in a women. *Archives of Psychiatric Nursing*, 6: 326-334.
- زنان مقایسه شود. گفتنی است که انجام این پژوهش با محدودیت‌هایی همراه بوده است. از جمله اینکه این پژوهش فقط روی جامعه زنان انجام شده است و قابل تعمیم به جامعه مردان نیست. همچنین احتمال سوگیری مطلوب‌نمایی اجتماعی در پاسخ‌دهی به پرسشنامه‌ها به‌خصوص در پرسشنامه سبک‌های عشق وجود دارد.
- ### منابع
- احمدی، چ. (۱۳۸۸). بررسی و مقایسه رابطه بین خودمتمایزسازی و سبک‌های عشق‌ورزی در دانشجویان متأهل دانشگاه شهید بهشتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- اسکیان، پ، عابدیان، ا و چنگیزی، ف. (۱۳۸۷). هم‌وابستگی و رابطه آن با تمایز یافتگی در دانشجویان کارشناسی دانشگاه تهران. مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان.
- بیات، م. (۱۳۸۷). تأثیر ایمگو تراپی بر سبک‌های عشق‌ورزی زوجین شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.
- جلالی‌تبار، س. (۱۳۸۵). پیش‌بینی سبک‌های عشق‌ورزی بر اساس سبک‌های دلبستگی در کارمندان سازمان بهزیستی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- حسن‌زاده، ر. (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. ۱۳، تهران: سالوآن.
- رفیعی‌نیا، پ و اصغری، ا. (۱۳۸۶). رابطه بین انواع عشق و بهزیستی ذهنی در دانشجویان متأهل. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۳(۹)، ۴۹۲-۵۰۱.
- شریفی، ش. (۱۳۸۴). مقایسه میزان هم‌وابستگی در زنان با نقش‌های جنسیتی گوناگون (زنانه، مردانه، دوجنسیتی، نامتمایز). *مجله پژوهش زنان*، ۱(۱۱)، ۶۷-۹۹.
- عبدی، ح و گلزاری، م. (۱۳۸۹). ارتباط میان سبک‌های عشق و ویژگی‌های شخصیتی. *مجله روان‌شناسی و دین*، ۳(۱۱)، ۷۴-۵۳.
- نوری، ن، جان‌بزرگی، م. (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرش افراد به عشق با ارزش‌های ازدواج. *مجله علوم رفتاری*، ۵(۳).
- وایتفیلد، چ. (۱۹۹۱). هم‌وابستگی، رهایی از وضعیت بشری. ترجمه حسام‌الدین معصومیان شرقی (۱۳۸۲)، تهران: فارابی حکیم.
- یوسفی، ن، بشلیده، ک، عیسی‌نژاد، ا، اعتمادی، ع و شیربگی، ن. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های عشق‌ورزی و کیفیت زناشویی در میان افراد متأهل. *فصلنامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۱(۱)، ۳۶-۲۱.
- Ahmadi, V., Davoudi, I., Ghazaeib, M., Mardani, M., & seifi, S. (2013). Prevalence of obsessive love and its association with attachment styles. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 84: 696-700

- Hughes-Hummer, C., Martsof, D.S., & Zeller, R.A. (1998b). Development and testing of the codependency assessment tool. *Archives of Psychiatric Nursing*, 5: 264 – 272.
- Kanemasa, Y., Taniguchi, J., Daibo, I., & Ishimori, M. (2004). Love styles and romantic love experiences in japan. *Social Behavior and Personality: An International Journal*, 3: 265-281.
- Knudson, T.M., Terrell, H.K. (2012). Codependency, Perceived interparental conflict, and Substance abuse in the family of origin. *Journal of family Therapy*, 245-257.
- Leavitt, L. (1997). Parenting style and codependenc among addicts. [M.A. Dissertation]. Department of Social work California State University, Long Beach: In Partial Fulfillment of the Requirements, University of Illinois.
- Lee, J. (1973). *The Colors of Love: An exploration of the ways of loving*. Mills, D., Ontario, Canada, New Press.
- Loucks, H.A. (2005). Level of codependency in associate degree nursing students upon entry to and completion of nursing school. [M.A. Dissertation]. USA: University of Wyoming.
- Mallandain, I., & Davies, M.F. (1994). The colours of love: Personality correlates of love styles. *Personality and Individual Differences*, 4: 557-560.
- Marks, A.D.G., Blore, R.L., Hine, D.W., & Dear, G.E. (2012). Development and validation of a revised measure of codependency. *Australian Journal of Psychology*, 64(3): 119-127.
- Martsof, D.S., Hughes-Hummer, C., Estok, P., & Zeller, R. (1999). Codependency in male and female helping professionals. *Archives of Psychiatric Nursing*, 2: 97-103.
- Neto, F. (2000). Cross-cultural variations in attitudes toward Love. *Journal of Cross Cultural Psychology*, 5: 36-62.
- O'Brien, P.E., & Gaborit, M. (1992). Codependency: A disorder separate from chemical dependency. *Journal of Clinical Dependency*, 48(1): 129-135.
- Reyomea, N.D., Karen, S., Ward, b., & Witkiewitzc, K. (2010). Psychosocial variables as mediators of the relationship between childhood history of emotional maltreatment, Codependency, and Self-Silencing. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*, 2: 159-179.
- Talwar, U.K., Verma, A.N., Singh, R., & Sharma, V. (2011). Co-dependency and marital adjustment in depression. [M.A. Dissertation]. India. Ranchi University.
- Webb, T. (2009). Codependence from a family systems perspective. *The Prager International Collection on Addictions*, 8: 141–160.